

۱- کدام گزینه در مورد حقیقت انسان در دوره یونان باستان نادرست است؟

- (۱) حقیقت انسان یکی از مسائل مورد توجه فیلسوفان از ابتدای شکل گیری فلسفه تاکنون بوده است.
- (۲) نظر دقیق و روشن درباره انسان اولین بار از جانب افلاطون ابراز شد.
- (۳) ارسطو نظر استاد خود افلاطون را نپذیرفت و برای بدن ارزش زیادی قائل بود و نفس را پیرو بدن می دانست.
- (۴) به نظر افلاطون نفس با ارزش ترین دارایی انسان است و وظیفه اصلی هر انسان توجه و مراقبت از نفس است.

۲- کدام گزینه جاهای خالی عبارت زیر را تکمیل می کند؟

«به نظر و چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد.»

- (۱) داروینیست ها و ماتریالیست ها (۲) افلاطون و ارسطو (۳) دکارت و کانت (۴) توماس هابز و مارکس
- ۳- کدام فیلسوف ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل کار می کند؟
- (۱) مارکس (۲) توماس هابز (۳) افلاطون (۴) ارسطو

۴- کدام گزینه پیرامون نظریه ارسطو درباره نفس نادرست است؟

- (۱) ارسطو مانند استادش افلاطون قوه نطق و قابلیت حیات را مربوط به نفس می دانست.
- (۲) ناطق دانستن انسان صرفا سخن گفتن او نیست بلکه مقصود قوه تفکر و تعقل است.
- (۳) انسان با قوه تفکر خود استدلال می کند و هنگام استدلال با خود نطق می کند.
- (۴) انسان در بدو تولد به صورت بالفعل حالات نفس را دارد.

۵- در مورد تفاوت عقل گرایان و تجربه گرایان در مسئله چیستی و حقیقت انسان کدام گزینه صحیح می باشد؟

- (۱) دکارت فیلسوف عقل گرای فرانسوی نفس و بدن را ماشین پیچیده می داند که به طور خودکار فعالیت می کند.
- (۲) به نظر کانت فیلسوف قرن هجدهم انسان دارای اراده و اختیار است و اختیار ویژگی بدن و یک امر عادی است که قابل اثبات دانست.
- (۳) افلاطون و ارسطو فلاسفه عقل گرایی بودند که هر دو انسان را دارای حقیقتی برتر از ماده و بدن به نام نفس می دانند.
- (۴) ماتریالیست ها معتقدند انسان دارای ۲ بعد است که ذهن و روان انسان مربوط به بعد غیرمادی (نفس) انسان است.

۶- کدام گزینه در مورد حقیقت انسان نادرست می باشد؟

- (۱) صدرائیان معتقد هستند انسان دارای ۲ بعد است (مادی = بدن) و (غیرمادی = روح)
- (۲) دکارت معتقد است (من) یا (ذهن) مرکز اندیشه هاست و چیزی ورای بدن و ضمیمه شده به آن است.
- (۳) ابن سینا معتقد است روح در مرحله (جنین) به بدن ملحق می شود و انسان روح خود را بی واسطه درک می کند.
- (۴) به عقیده سهروردی روح نور و بدن ظلمت است.

۷- کدام گزینه نظر فلاسفه مسلمان درباره حقیقت انسان را بیان می کند؟

- (۱) انسان موجودی صرفا مادی نیست و دارای ویژگی های متعالی و ارزشمند مانند آزادی و فضائل اخلاقی می باشد.
- (۲) فلاسفه مسلمان عقاید افلاطون و ارسطو درباره حقیقت انسان را نمی پذیرفتند و عقاید منحصر به فردی داشتند.
- (۳) مراتب برتر و مجرد هستی را می توان شهود کرد و این شهود در توان بدن مادی نیست بلکه شهود نفسانی است.
- (۴) گزینه ۱ و ۳

۸- تفاوت نظر ابن سینا و ملاصدرا در مورد حقیقت انسان چیست؟

- (۱) ابن سینا تکامل جسم را مساوی روح می داند و بین آن دو تفاوتی قائل نیست ولی ملاصدرا روح انسان را جدای از جسم می داند که هیچ ارتباطی با جسم ندارد.
- (۲) ابن سینا بین روح و جسم وحدت حقیقی قائل است ولی برای روح جایگاه بالاتری قائل است ولی ملاصدرا روح را حالت بالقوه می داند و جسم را حالت بالفعل که در وجود انسان قرار دارد.
- (۳) به نظر ابن سینا روح انسان (جنبه غیرمادی انسان) بعد از تکمیل جنین در رحم مادر به انسان عطا می شود ولی ملاصدرا روح و بدن را ۲ چیز مجزا می داند که کنار هم گرفته باشند بلکه وحدتی حقیقی دارند.
- (۴) ابن سینا روح انسان را آخرین درجه تکاملی می داند که موجودات زنده می توانند به آن برسند ولی ملاصدرا روح انسان را مختص انسان می داند که جنبه برتر حقیقت هر موجود زنده است.

۹- در نظر سهروردی کسب نور موجب و می شود.

- (۱) زیبایی و آراستگی نفس - رهایی از ماده
- (۲) رویت حقایق هستی - رسیدن به کمال
- (۳) رشد فضائل اخلاقی - رسیدن به مغرب عالم
- (۴) رشد توان عقلی - کامل شدن

۱۰- منظور از مشرق و مغرب در جغرافیای عرفانی سهروردی چیست؟

- (۱) مشرق علم انسان و مغرب جهل انسان است.
- (۲) منظور از مشرق از نظر عرفانی نفس انسان است که جنبه نورانی اوست و مغرب همان جسم و بدن اوست که جنبه ظلمانی اوست.
- (۳) مشرق فضائل اخلاقی و مغرب معاصی و گناهان انسان است.
- (۴) مشرق خداوند و مغرب کامل هر چه غیر خدا محسوب می شود.